



ارزیابی جنبش سبز در ایران

غلامعلی شکری^۱

خالد اسماعیل زاده^۲

محسن رفیعی^۳

چکیده:

زندگی به همان اندازه که نیازمند تغذیه است به تنفس نیازمند است، احمقانه‌تر از این نیست که جامعه بشری به خاطر مصرف بیشتر راه تنفس را ببندد و زیست را به نابودی بکشانند. مقاله حاضر کوششی است در جهت ارزیابی موقعیت و حرکت جمعی طرفداران محیط زیست که یکی از مباحث عمده در عرصه عمومی ایران است. نگارنده پس از ارائه مقدمه‌ای در باب محیط زیست و تاریخچه شکل‌گیری تشکلهای زیست محیطی و جنبش سبز در جهان سعی می‌کند به بحث مناقشه‌انگیز جنبش سبز در ایران بپردازد. به نظر نگارنده حرکت جمعی سبزها در ایران از حداقل ویژگی‌های مشترک جنبش‌های اجتماعی (مانند: وجود شبکه‌ای غیر رسمی، گفتمان آگاهی‌بخش و روشنگری و توان فرصت اعتراض سیاسی) برخوردار نمی‌باشد ولی وجود یک گرایش سیاسی — اجتماعی سبز در ایران احساس می‌گردد. در این ارزیابی از منابع کتابخانه‌ای همچون کتاب، نشریات و نمایه داخلی و اینترنت استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست‌گرایی،

زیست‌بوم‌گرایی، جنبش سبزها، جنبش اجتماعی

1- کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه تهران

2- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه تهران

3- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه تهران

جدید، NGO های زیست محیطی

مقدمه

بحران محیط زیست امروزه یکی از مهم‌ترین گرفتاری‌های جهانی به شمار می‌رود. برای رویارویی با این بحران، مشارکت مردمی بیش از پیش ضروری است و به لحاظ اهمیت این امر است که سازمان‌های غیر دولتی و تشکلهای مردمی زیست محیطی در سراسر جهان شکل گرفته‌اند تا این مشارکت را جهت‌دهی و هدایت کنند. اندیشه مراقبت از محیط زیست و محافظت بوم‌شناسانه از آن، نخستین بار در کتاب **"انسان و طبیعت"** (۱۸۶۴) نوشته جورج پرکینز مارش بیان شده است (آذرننگ: ۱۳۶۴، ۱۱۱). ولی در دهه ۱۹۶۰ بود که بحث داغ محیط زیست و تکنولوژی به اوج خود رسید. البته طرح مسائل مربوط به تکنولوژی و محیط زیست ناگهانی و بدون مقدمه نبود. در واقع پس از جنگ جهانی دوم و پیشرفت حیرت‌انگیز تکنولوژی، محیط زیست به صورتهای گوناگون با تهدید عوامل مختلف روبرو شد. عواملی چون تابشهای اتمی، تجزیه‌ناپذیری سم‌های کشاورزی و مواد دفع آفات، خیر نابودی دریاچه اری بزرگترین دریاچه آمریکا، غرق شدن کشتی نفتکش توری کانیون و نشست نفت در آبهای اقیانوس، انتشار خبر ارقام هراس‌انگیز رشد بی‌رویه جمعیت و گفتمان و گفتمان از دشواریهای افزایش جمعیت، انتشار کتابهای جدی و مستند درباره بحران‌های محیط زیست و مجموعه داستان‌های وحشت‌آور راشل کارسون، خصوصاً داستان **"بهار خاموش"** اش که بسیاری از مردم را عمیقاً تکان داد (همان، ۱۱۸ - ۱۱۶)، از جمله عوامل روانی بودند که در دهه ۱۹۶۰ بازار بحث‌های محیط زیستی را گرم کرده بودند. اندیشه حمایت از محیط زیست مظهر تلاشی است برای گسترش مفهومی که از جامعه داریم، فراتر بردن آن از نسل کنونی آدمی و شمول آن بر تمامی موجودات - اعم از انسانی و غیر انسانی - و حال و آینده و نیز نظام زیستی کنونی که ما جملگی، بخش‌هایی وابسته از آن هستیم.

جنبش سبز به عنوان جنبش جدید اجتماعی

1 - مانند کتاب "فضا و زمین" اثر کنت باولدینگ و "تنها یک زمین" اثر رنه دوپو و باربارا وارد.

جنبش سبزها از جمله جنبشهای جدید اجتماعی است که با اندیشه های حفظ محیط زیست و کره سبز پا به عرصه فعالیت اجتماعی نهاده و به سرعت هم پا به عرصه ساختار سیاسی گذاشت. نهضت سبز، تاحدودی به عنوان واکنشی در برابر کارکردهای خود ویرانگر جوامع غربی و تاحدودی به مثابه نوعی پاسخ به آگاهی های روز افزون زیست محیطی شکل گرفت (فیتزپاتریک: ۱۳۸۱، ۳۶۸).

در تاریخچه جنبش سبز به دو جنبش محیط زیستگرایی و زیست بوم گرایی (اکولوژیسم) برمیخوریم که هر دو داعیه زیستبانی و مبارزه با آلودگی های زیستی را دارند. ولی باید بین این دو تمایز قائل شد، بدین گونه که محیط زیست بومگرایی به طور جدی و بنیادی با مسأله خطرهای زیست محیطی و بحرانهای ناشی از آن برخورد نمی کند بلکه دغدغه بیشتر برخورد تکنیکی و اصلاحی دارد. به عبارت دیگر، محیط زیستگرایی به دنبال رهیافت مدیریتی نسبت به مسائل زیست محیطی است و دلخوش به این باور است که بدون هرگونه دگرگونی بنیادی در ارزشهای کنونی یا الگوهای تولید و مصرف می توان مسائل زیست محیطی را از میان برداشت. محیط زیستگرایان ضرورتاً هوادار نظر محدودیت های رشد نیستند و لغو "صنعت گرایی" را معمولاً دنبال نمی کنند، آنها کمتر از ارزش ذاتی محیط غیر انسانی دفاع می کنند اکثر محیط زیستگرایان بر این باورند که تکنولوژی، مسائل زاییده خود را می تواند حل کند و با این نظر که زندگی قناعت مندانه ضامن بقای زندگی بشر است مخالفند و آن را ناچردانه می انگارند. حال آن که زیست بومگرایی می گوید که حیات پایدار و شکوفایی انسانها به دگرگونی بنیادی در رابطه ما با جهان طبیعی غیر انسانی و شیوه زندگی اجتماعی و سیاسی ما بستگی دارد از طرفی زیست بومگرایی را باید به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی در نظر آورد؛ ولی محیط زیستگرایی به هیچ روی یک ایدئولوژی نیست. به طور کلی، اگر جنبش سبزها را یک نظام سیاسی بدانیم محیط زیستگرایی اصلاح گرا بوده و زیست بومگرایی یک شاخه انقلابی از جنبش سبز به شمار

می‌رود. به همین خاطر برخی از نظریه‌پردازان سبز کوشیده‌اند سبزه‌های میانه رو را محیط زیست‌گرا توصیف کنند و زیست بوم‌گرایی را به سبزه‌های رادیکال نسبت دهند (دابسون: ۱۳۷۷، ۱۲ - ۱۰).

طرفداران محیط زیست از دهه ۱۹۹۰ شروع به اعمال نفوذ بر سیاست اجتماعی کردند. طبق آمار در این دهه، "۸۰ درصد آمریکاییها و بیش از دو سوم اروپائیان خود را طرفدار محیط زیست می‌دانسته‌اند" (کاستلز: ۱۳۸۰، ۱۴۷). جنبش‌های سبز در بیشتر کشورها غالباً به حزبه‌ای سبزی وابسته‌اند که به دنبال انتخاب شدن در مجالس ملی‌اند. جنبش‌های سبز در بیشتر کشورهایی که حزب سبز دارند، این حزب را وسیله‌ای برای اعمال نفوذ در فراگرد قانون‌گذاری می‌بینند، چه در هنگام طراحی سیاست‌های ملی، چه در زمان بحث لوایح و چه موقع به اجرا گذاشتن این سیاستها و لوایح. آندری مارکویتس و فیلیپ گورسکی در کتاب خود "چپ آلمان" می‌گویند که "در سراسر دهه ۱۹۸۰ سبزه‌ها به عامل اجتماعی کننده چپ آلمان تبدیل شدند به این معنا که عملاً تمام اندیشه‌های جدید آن، نوآوری‌های سیاسی، فرمول‌بندی‌های استراتژیک، شیوه زندگی... از سبزه‌ها و اجتماع آنها نشأت گرفت." ویلی برانت صدر اعظم آلمان دوست داشت بگوید سبزه‌ها، "فرزندان گمشده حزب سوسیال دموکرات" بوده‌اند، اما در حقیقت سوسیال دموکرات‌ها با رویارویی اجباری‌شان با جنبش محیط زیست تجدید حیات یافتند (گیدنز: ۱۳۸۱، ۶۲).

سابقه تشکلهای زیست محیطی در دنیا و ایران

صلح سبز بزرگترین سازمان محیط زیستی جهان است و شاید معروفترین نشریات محیط زیستی جهان نیز متعلق به این سازمان باشد که متکی بر اقدامات مستقیم غیر خشن و جهت‌گیری رسانه‌ای است. این سازمان در سال ۱۹۷۱ در ونکور کانادا تأسیس شد و در سال ۱۹۹۴ به یک سازمان بین‌المللی و شبکه‌ای تبدیل شد که ۶ میلیون نفر عضو از سراسر جهان و عایدات سالانه‌ای بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار دارد (کاستلز: ۱۳۸۱، ۱۵۵).

اولین پیمان زیست محیطی در تاریخ؛ در سال ۱۹۷۱

(۱۳۵۰ ش) در رامسر، یکی از شهرهای ساحلی و سرسبز ایران، نهایی و به امضاء رسید. پیمان رامسر یا کنوانسیون تالابها اکنون به عنوان یک موافقتنامه مهم در خصوص مراقبت و محافظت از تالابهای جهان مطرح است. بنابراین از نظر تاریخی ایران طلایه‌دار حفاظت از محیط زیست در جهان بوده است پس از آن در سال ۱۹۷۲ در استکهلم "کنفرانس محیط زیست انسانی" برگزار گردید و بیانیه‌ای ۲۶ ماده‌ای صادر شد که در اصل ۱۹ به آموزش درباره‌ی موضوعات زیست محیطی برای نسل جوان و بزرگسال تأکید شده بود. بیست سال بعد از کنفرانس استکهلم یعنی در سال ۱۹۹۲ در شهر ریودوژانیرو برزیل اجلاسی با عنوان "سران زمین" برگزار گردید (کنفرانس محیط زیست و توسعه) که حاصل آن منشوری به نام "دستور کار ۲۱" بود. منشور زمین یا بیانیه ریو دارای ۲۷ اصل بود. در اصل ۱۰ به مشارکت شهروندان ذینفع در رفع مسائل زیست محیطی اشاره می‌کرد و براساس اصل بیست و یکم بر بسیج خلاقیت، آرمانها و تهور جوانان جهان برای مشارکتی جهانی جهت حصول به توسعه پایدار و آینده بهتر برای همه تأکید شده بود.

جنبش محیط زیست در ایران از اواسط دهه ۷۰ شمسی شکل گرفت ولی هنوز به دلایلی که در ادامه خواهد آمد، آرمانهای کلی خودش را پیدا نکرده است. سازمانهای غیر دولتی زیست محیطی به عنوان بخش مهمی از این جنبش، حرکت خود را زودتر آغاز کرده‌اند. از اولین سازمانهای غیردولتی زیست محیطی ایران یک تشکل غیر رسمی بود که حرکت خود را از ۱۳۴۹ آغاز کرد. این تشکل در واقع شامل گروهی از مردم روستای اشکذر یزد بود که به منظور مقابله با هجوم شن‌های روان تشکیل شد. "انجمن حمایت از حیوانات" نیز یک سازمان غیر دولتی دیگر بود که چند سال قبل از انقلاب تأسیس شد و پس از انقلاب منحل گردید.

پس از انقلاب به دلیل رویدادهای مهمی مانند جنگ که در کشور به وسعت اثر گذارد، روند ایجاد سازمانهای غیر دولتی زیست محیطی در ایران متوقف شد و این وضع تا حدود سال ۱۳۷۰ ادامه داشت. تشکلهای زیست محیطی با تعریفی که امروز از NGO ها داریم

از سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲م) بعد از کنفرانس ریو، در ایران به وجود آمدند. تاجال تعداد تشکلهای یافته شده در زمینه محیط زیست ۳۷۵ تشکل^۱ گزارش شده است که فعالیت اکثر این سازمانها، آگاه سازی و آموزش است و غالباً درباره مسائل محیط زیست شهری فعالیت می کنند. ولی بعضی از زمینه های کار تخصصی مانند حیوانات، توسعه روستایی، بیابان زدایی و حفاظت از جنگل نیز در کار آنها دیده می شود. روش فعالیت آنها شامل، برگزاری کلاس و کارگاه های آموزشی، آموزش چهره به چهره در محله ها، برگزاری سمینار و همایش های علمی و آموزشی، انتشارات، دادن بیانیه، برگزاری نمایشگاه و بازار سبز و . . . می شود.

اخیراً نیز بعضی از آنها در حال وارد کردن خود به رده های بالای تصمیم گیری هستند. برای مثال ارائه پیشنهاد به کارشناسان برای تهیه برنامه پنج سال سوم، برگزاری جلسات بحث و گفتگو با نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای شهر و ارائه پیشنهاد برای وضع قوانین از جمله فعالیت های انجام شده NGO های زیست محیطی است که به منظور اثر گذاردن در برنامه های کلان انجام می شود.

جنبش سبز در ایران: مناقشه ای در وجود یا عدم وجود آن

اکنون با گذشت حدوداً ۱۳ سال از تشکیل NGO های محیط زیستی در ایران آیا می توانیم بگوئیم که در کشورمان جنبشی به نام جنبش اجتماعی سبز داریم؟! جنبش اجتماعی یکی از انواع "رفتارهای جمعی" است. رفتار جمعی پاسخ عده ای از مردم به یک وضعیت یا مساله ای خاص است. این رفتارها در جامعه به شکل های گوناگونی تجلی می یابد و تنها یکی از آنها به شکل "جنبش اجتماعی" است (جلائی پور: ۱۳۸۱، ۱۹). به نظر نگارنده جنبشی به نام جنبش سبز در ایران وجود ندارد. چرا که حرکت جمعی طرفداران محیط زیست در ایران وقتی یک جنبش محسوب می شود که توانسته باشد حداقلی از ویژگیهای مشترک در جنبش های اجتماعی

1- برگرفته از سایت سازمان حفاظت از محیط زیست، رویت شده در تاریخ ۸۴/۹/۲۳

جدید را به دست آورد. از منظر جامعه‌شناختی سه ویژگی ذیل حداقل‌هایی است که در تمام جنبش‌هایی که تاکنون اتفاق افتاده قابل ردیابی است. اول: جنبش‌های اجتماعی از شبکه‌ای غیر رسمی (عمدتاً غیرحکومتی) از روابط متقابل میان تعدادی از افراد، گروه‌ها و سازمان‌های فعال تشکیل می‌شوند. دوم: جنبش‌های اجتماعی از طریق یک گفتمان آگاهی‌بخش در حامیان خود، روشنگری، هویت، شور و امید برای رسیدن به هدفی مشترک ایجاد می‌کنند. سوم: جنبش‌های اجتماعی در فرایند تغییرات اجتماعی (تغییر وضع تبعیض‌آمیز موجود) از لحاظ "سیاسی" یا "فرهنگی" با مخالفان خود حتی اگر در حکومت سنگر گرفته باشند وارد مبارزه و آماده پرداخت هزینه می‌شوند (جلائی پور: ۱۳۸۴، ۱۱).

به نظر می‌رسد که هنوز در ایران زمینه نارضایتی عمومی در مسائل زیست محیطی وجود ندارد و گفتمان سبز در ایران گسترش پیدا نکرده است. به هر صورت هواداران محیط زیست نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان راه بسیار پر نشیب و فرازی را در پیش رودارند و شاید سخت‌ترین قسمت مسیرشان هم این باشد که بتوانند به مردم بقبولانند مشکلاتی که با آسیب و زیان طبیعت و محیط زیست در آینده برای انسان به وجود خواهد آمد بسیار جدی و خطرناک است و آنها را وادار به تفکر جدی در باب این خطرات پنهان کنند.

بنابراین تمرکز اصلی فعالیت‌های NGO های محیط زیست در این زمینه نیاز به سرمایه‌گذاری‌ها، امکانات، مطالعات جدی و افرادی با عقیده محکم و از خود گذشته دارد و از همه مهمتر این که نیاز دارد تا از سوی عامه مردم جدی گرفته شود. ولی در ایران شاهد وقوع این امر نیستیم. برخی از NGO های محیط زیست حتی دیگر در مراسم درختکاری هم شرکت نمی‌کنند، جایی که حضور اعضاء این نوع NGO ها مورد انتظار می‌باشد. یکی از ایراداتی که به سبزه‌ها در دنیا گرفته می‌شود عدم ارائه رهنمود در رابطه با طرز انتقال از جامعه موجود به سوی جامعه‌ای سبز و آینده پاکیزه و قابل دوام است. "درک وال" در کتاب **"رسیدن به مقصود"** می‌نویسد: "جنبش سبزه‌ها،

ماکیا ولی‌ها، لنین‌ها و گاندی‌های خودش را ندارد. سبزه‌ها نیازمند نظریه سیاسی‌اند، باید حرفشان هم در باب وسایل و اهداف روشن باشد. باید خوب به این موضوع فکر کنند که ما قرار است چگونه به جامعه‌ای سبز برسیم"^۱.

مسئله دیگر این است که دولتمردان ما هنوز نتوانسته‌اند تشکلهای غیر دولتی را در کنار خود ببینند. حتی روزنامه‌ها نیز مسائل زیست محیطی را مسائلی حاشیه‌ای می‌انگارند. امروز در حدود ۳۷۵ تشکل زیست محیطی در سراسر کشور مشغول فعالیت است، تشکلهایی که نه به لحاظ وجود بسترهای مناسب مشارکت اجتماعی و رشد جامعه مدنی، که تنها به دلیل رشد روز افزون تخریب محیط زیست پا به عرصه وجود گذاشته‌اند و نکته تأسف‌آور این که عده‌ای همچنان به افزایش شمار NGOهای زیست محیطی به عنوان برگه‌ای از افتخارات خود می‌نگرند در حالی که واقعیت چیز دیگری است. کارکرد این تشکلهای واقدمات مثبت آنها در حفظ محیط زیست می‌توانست در نوع خود بسیار قابل توجه باشد در حالی که متأسفانه این طور نیست و متأسفانه اکثر قریب به اتفاق NGOهای زیست محیطی به نوعی روزمرگی و نخوت ناشی از وابستگی فکری و مالی به بخش‌های دولتی دچار گشته‌اند و نه تنها گام مثبتی در بهبود اوضاع محیط زیست کشور بر نمی‌دارند، بلکه با دریافت کمک‌های دولتی، ماهیت واقعی خود را که غیر دولتی بودن و استقلال است از دست داده‌اند.

امروز NGOهای ما بیش از آنکه در فکراطلاعرسانی صحیح و ارائه راهکارهای مهم اجرایی و آموزشی در جهت ارتقای کیفی و کمی فرهنگ عمومی جامعه باشند یا در این اندیشه‌اند که چگونه از ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی تأمین بودجه کنند و یا این که برای نزدیک شدن هر چه بیشتر و بهتر به بخش‌های دولتی چطور حیثیت دوستان خود را در بین سایرگروه‌ها را خدشه دارکنند. شرکت در همایش‌ها و نمایشگاه‌های مختلف همچون نمایشگاه بین‌المللی محیط زیست نیز برای عده‌ای از آنها به یک زنگ تفریح تبدیل شده، بدون آنکه

دستاورد و رهاورد جدیدی برای ارائه داشته باشند. نکته بعدی این است که شبکه غیر رسمی از روابط متقابل میان NGO های زیست محیطی در ایران دیده نمی‌شود. شاید اگر همه تشکلهای زیست محیطی در زیر یک چتر واحد و با یک شعار واحد و به دور از هرگونه اختلافات بی‌دلیل و بی‌پایه و اساس و با حفظ صددرصد استقلال خود قرار می‌داشتند و خواسته خود را به صورت جمعی مطرح می‌کردند هم گره‌ای از تاروپود به هم تنیده محیط زیست کشور باز می‌شد و هم مسئولین مجبور می‌شدند تا بعد از این حقوق بحق سازمان های غیر دولتی را در قالب مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های موردی لحاظ کنند.

نکته دیگری که از مشکلات جدی سیاسی سازمان‌های غیر دولتی است، نظارت و کنترل شدیدی است که به صورت پیدا و پنهان بر فعالیت و حمایت این سازمان‌ها وجود دارد و آنها را در تصمیم‌گیری و عمل دچار تردید یا خود سانسوری می‌کند. جالب توجه است که این خود سانسوری در سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی بیشتر است. زیرا عاملان تخریب و آلودگی محیط زیست کشور ما اکثراً صنایع و پروژه‌های بزرگ عمرانی هستند و اغلب وابسته به نهادهای دولتی و حکومتی می‌باشند و اعتراض جدی به آنها می‌تواند بقای این سازمان‌ها را به خطر اندازد.

نگاهی به محورهای اصلی فعالیت این سازمان‌ها — که اکثراً آگاه‌سازی و آموزش است — نشان‌دهنده این واقعیت است که آنها از فعالیت‌هایی که می‌تواند به نحوی با امور مخاطره‌آمیز سیاسی مرتبط باشد، به جد پرهیز می‌کنند یا نگرانند تا مبادا از خواسته‌هایشان یا اعتراضات شان تعبیر و برداشت سیاسی بشود. به نظر می‌رسد جنبش سبز در ایران، که از ابتدای دهه هفتاد، با تحول مدیریت شهری به ویژه در تهران، توسعه نگاه زیست محیطی در مطبوعات و راه‌اندازی دهها تشکل هوادار محیط زیست، آغاز شده بود، اکنون دارد دوره انحطاط را می‌گذراند. از جمله ویژگی‌های دوره انحطاط، گزافه‌گویی افراطی در

شعارها، گریز جوانان و دیگر نقاط ثقل تحرک اجتماعی و البته تکراری و کسالت‌آور شدن همه طرح‌ها و برنامه‌هایی است که پیش از این بسیار جذاب می‌نمودند و با صرف هزینه بسیار کمتر، مورد اقبال توده مردم قرار می‌گرفتند. جوانان دیگر آن چنان که انتظار می‌رود از فعالیتهای زیست محیطی استقبال نمی‌کنند، فعالیت تشکلهای زیست محیطی به کمترین حد ممکن رسیده است و حتی مطبوعات هم سازمان‌ها و نهادهای مسئول را به حال خود واگذاشته‌اند و چندان کاری به کار آنها ندارند. به نظر می‌رسد که ما در ایران به جای جنبش اجتماعی سبز، یک گرایش سیاسی - اجتماعی سبز داریم و همگان باید بپذیریم این جنبش اگر بخواهد در ایران به وجود آید و پیش برود نیازمند انگاره‌ها و اهداف نو، و البته منابع جدید انرژی است.

منابع

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۶۴) **تکنولوژی و بحران محیط زیست**، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- امینی، فرهاد (۱۳۸۰) **جنبش سبزها، نشریه نوز**، ۱۳۸۰/۱۰/۱۰.
- جلائی پور، حمید رضا (۱۳۸۱) **جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی**، تهران، نشر طرح نو.
- جلائی پور، حمید رضا (۱۳۸۴) **چهار ارزیابی جامعه‌شناختی از موقعیت زنان ایران**، ۱۳۸۴/۱۰/۴.
- دابسون، اندرو (۱۳۷۷) **فلسفه و اندیشه سیاسی سبزها**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر آگاه.
- فیتز پاتریک، تونی (۱۳۸۱) **نظریه رفاه**، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، نشر گام نو و مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) **عصر اطلاعات (جلد دوم)** : **قدرت و هویت**، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱) **راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی**، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشر شیرازه.
- **نشریه ایران جوان**، شماره ۶۱، تهران.